

سیاست کشاورزی ایران در دوره اشغال ایران در جنگ جهانی دوم

نوع مقاله: پژوهشی

میکائیل وحیدی^۱

چکیده

ایران در طی دو جنگ جهانی، به رغم اعلام بی‌طرفی، آسیب‌های فراوانی را متحمل شد. در جنگ جهانی دوم، اشغال ایران از سوی دول انگلیس، شوروی و آمریکا در شهریور ۱۳۳۰ (سپتامبر ۱۹۴۱) و استعفای رضا شاه منجر به ورود کشور به جنگ ناخواسته‌ای گردید که عوارض گوناگونی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشت. این پیامدها تأثیر عینی خود را به سرعت در حوزه‌های گوناگون جامعه، از جمله بخش زراعت، نشان داد. پژوهش حاضر تسلط دولت‌های خارجی بر حوزه کشاورزی و خواربار را به عنوان نمونه‌ای از این تبعات ارزیابی می‌کند و با کاربست روش تاریخی، مبتنی بر توصیف وقایع و سپس تحلیل آن و با استفاده از اسناد آرشیوی، در پی پاسخ به این پرسش است که پیامدهای حضور متفقین بر اقتصاد کشاورزی ایران چه بود و متفقین چه سیاستی در این حوزه اعمال کردند. براساس یافته‌های پژوهش، متفقین با انعقاد پیمان سه‌جانبه، زمینه دخالت مستقیم در امور کشاورزی ایران را فراهم کردند. اولویت کمک به شوروی و نقش ایران به مثابه پل پیروزی در جنگ به جای کمک به مردم ایران و پیگیری این راهبرد موجب اختلال در سیستم حمل و نقل محصولات، افزایش قیمت‌ها، کاهش عرضه محصولات عمده زراعی و شکل‌گیری بلواهای متعدد نان در داخل ایران گردید. واژگان کلیدی: ایران، جنگ جهانی دوم، متفقین، کشاورزی، بحران نان.

Iranian Agricultural Policy during the Occupation of Iran in World War II

Michael Vahidirad²

Abstract

Despite declaring neutrality in both world wars, Iran was occupied by the allied forces and suffered from extensive damages. Occupation of Iran in World War II by the Allied forces in September 1941 (Shahrivar 1320 S.H.) and the abdication of Reza Shah brought Iran into the war unwillingly with political, economic, and social consequences, which rapidly affected Iran, especially concerning agriculture. The present study aims to evaluate the foreign control over agriculture and food supply as a case for these consequences using a historical method based on a description of the events and analyzing them with an archival data collection. Therefore, this article seeks to explain the consequence of the allies' presence in the Iranian agricultural economy and their policy in this regard. Based on research findings, the conclusion of the Tripartite Pact, allowed the allies a direct involvement in Iranian agricultural matters. Furthermore, the priority of supporting the Soviet through Iran instead of helping the Iranian people disrupted the food supply, raising the prices, reducing the supply of major agricultural products, and multiple bread riots in Iran.

Keywords: Iran, World War II, Allies, Agriculture, Bread Crisis.

۱. عضو هیات علمی گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران. *تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۸/۳
* تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۱/۵

2. Assistant Professor, Department of History, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran,
Email: m_vahidirad@sbu.ac.ir

مقدمه

پژوهش‌ها در باب جنگ جهانی دوم و بررسی علل، زمینه‌ها و نتایج حاصل از آن در سال‌های اخیر روند چشمگیری در ایران داشته است. با این حال، بسیاری از زوایای این حادثه هنوز روشن نشده و مورد بررسی علمی و مستند قرار نگرفته است. بسیاری از اسناد و مدارک مربوط به ایران، به‌خصوص در حوزه اقتصادی، در بایگانی مراکز اسنادی به صورت داده حفظ می‌شود. پرداختن به این اسناد می‌تواند روایت روشنی از وضع ایران در دوره جنگ و پس از آن در اختیار ما قرار دهد. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با تکیه بر اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه ایران و سازمان اسناد ملی ایران، شرایط ایران در این برهه خاص از درجه وضعیت اقتصاد کشاورزی بررسی شود و تأثیر جنگ دوم جهانی بر اوضاع سیاست کشاورزی ایران واکاوی گردد.

در سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ (۲۵ اگوست ۱۹۴۱) نیروهای شوروی از شمال و انگلیس از جنوب به سوی ایران سرازیر شدند و با غافلگیری ارتش جوان ایران، تهران را اشغال کردند. حضور نیروهای آلمانی در ایران و مهم‌تر از آن ایجاد کریدوری برای رساندن کمک‌های تسلیحاتی امریکا به شوروی از دلایل عمده حمله به ایران ذکر شده است. در کنار این عوامل، بایستی از ارزش میادین نفتی ایران، در سیاست انگلستان نیز یاد کرد که برای این کشور اهمیت حیاتی داشت.^۱ بدین‌سان، با اشغال ایران، تأسیسات نظامی و راه‌آهن این کشور بلافاصله تصرف شد و مقدمات حمل اسلحه و مهمات به روسیه فراهم گردید. این‌گونه بود که ایران در تمام مدت جنگ، هم از نظر سیاسی و نظامی و هم از نظر تسهیل حمل و نقل مهمات و مواد غذایی و دارویی، کمک‌های شایان توجه‌ای به متفقین نمود. با این حال، طبق اسناد موجود، اشغال ایران توسط متفقین تأثیرات بی‌شماری داشت و مردم را با مشکلات و سختی‌های بسیاری مواجه کرد و چون بخش کشاورزی، به‌عنوان بخشی حیاتی اقتصاد ایران، با زندگی روزمره مردم ارتباط مستقیم دارد، پیامدهایی که این تغییر شرایط بر بخش کشاورزی گذاشت نسبت به سایر بخش‌ها محسوس‌تر بود. نوشتار حاضر در کنار روشن کردن بخشی از تاریخ ایران، درصدد است با استناد به اسناد و توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی به بررسی مسائلی از قبیل تأثیر پیمان سه‌جانبه بر وضعیت کشاورزی، اهمیت مداخله در سیاست کشاورزی ایران برای دولت‌های متفقین و واکنش دولت ایران در قبال مداخلات خارجی بپردازد.

دولت‌های شوروی و انگلستان در ۹ بهمن ۱۳۲۰ (۲۹ ژانویه ۱۹۴۲م)، پس از تبعید رضا شاه و روی کار آمدن پسر جوان ۲۲ ساله او به‌عنوان شاه جدید، و نخست‌وزیری فردی سکولار چون محمدعلی

1. F. Eshraghi, "The Anglo Soviet Occupation of Iran", *Middle Eastern Studies*, Vol. 20, No. 1 (Jan., 1984), p. 47.

فروغی، مبادرت به عقد و امضای پیمان دوستی و اتحاد با ایران نمودند. این پیمان که در تهران منعقد گردید، دارای نه فصل بود که در آن ضمن تأکید بر حفظ تمامیت و استقلال ایران، بی‌طرفی این کشور در جنگ کنار گذاشته شد و مجوز استفاده از تمام راه‌های زمینی، دریایی و هوایی، بنادر، لوله‌های انتقال نفت، تأسیسات تلفنی و تلگرافی به شوروی و انگلیس داده شد. در مقابل، متفقین تعهد کردند که بهترین مساعی خود را برای مقابله با تنگناهای اقتصادی ایران به کار برند و با اتمام جنگ از ایران خارج شوند.^۱ براساس ماده هفت این پیمان نامه، کشورهای اشغالگر می‌بایستی «بهترین مساعی خود را به کار برند که حیات اقتصادی ملت ایران را در مقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر (جنگ جهانی دوم) پیش بیاید محفوظ بدارند و پس از آنکه این پیمان اعتبار یافت، برای بهترین وجه عملکرد به این تعهد مابین دولت ایران و دولت متحده مذاکرات شروع خواهد شد.»^۲ این پیشنهاد، با موافقت فروغی، به امضای نمایندگان سه کشور ایران، انگلستان و شوروی رسید. همچنین این دو کشور متعهد شدند مصرف غذایی لشکریان خود را از طریق واردات تأمین کنند و باعث کمبود مواد غذایی و قحطی در ایران نشوند. ولی متفقین به محض ورود به ایران شروع به مداخله در امور کشاورزی کردند و نه تنها به بهبود اوضاع کشاورزی و غله کمکی نکردند، بلکه به بغرنج شدن هرچه بیشتر اوضاع دامن زدند.

در کنار اشغال ایران توسط متفقین، از دیگر عوامل مهم تشدید بحران سودجویی افراد طبقات بالای جامعه ایرانی از شرایط جنگ بود. آنها جنگ را فرصت مناسبی می‌دیدند که با اعتبار و کالایی که در اختیار داشتند از اوضاع به نفع خود سود ببرند. در مقابل، طبقات پایین جامعه که درآمد حداقلی و ثابتی داشتند، بیشتر متضرر شدند و آسیب جدی به این قشر از جامعه وارد شد. به این ترتیب، شکاف بین قشر غنی و فقیر جامعه بسیار بیشتر شد که در سال‌های پس از جنگ نیز این شکاف از بین نرفت. همچنین این نکته را بایستی در نظر داشت که اقتصاد ایران به‌رغم پیشرفت‌هایی که در دوره رضا شاه کرده بود، همچنان براساس کشاورزی بود و بیشتر مردم ایران از طریق کشاورزی سنتی امرار معاش می‌کردند و هر گونه تغییر در این حوزه با زندگی اکثریت مردم ایران ارتباط مستقیم داشت. چنانکه از جمعیت ۱۶ میلیون نفری ایران در حدود ۸۵ درصد در روستاها زندگی و عموماً کشاورزی می‌کردند. سیستم ارباب-رعیتی پیشین همچنان بر کشاورزی ایران حاکم بود. ابزار کشاورزی قرون وسطایی بود و سهم زارع بین یک تا دو پنجم محصول و بازدهی زمین اندک بود. به این ترتیب، معلوم می‌شود اوضاع این طبقه از مردم در شرایط عادی و غیرجنگی نیز چندان مناسب نبود. پس در هنگامی که جنگ رخ داد، با دخالت متفقین در سیاست کشاورزی این اوضاع رو به وخامت گذارد.

۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، س ۱۳۳۱، کارتن ۲۲، پرونده ۵۴، سند ۸.
 ۲. همان.

نکته دیگر آنکه نیروهای متفقین بعد از ورود به ایران برای تسهیل امداد رسانی به شوروی و ارسال کمک‌های تسلیحاتی به این کشور به احداث برخی زیرساخت‌ها و ترمیم زیرساخت‌های موجود در ایران از جمله راه‌آهن و جاده نیاز داشتند. به این ترتیب، بسیاری از مردم ایران که از طریق کشاورزی فصلی قادر به تأمین معاش خود نبودند، با رها کردن زمین‌های کشاورزی‌شان در روستاها، به خدمت متفقین، به‌خصوص انگلیسی‌ها، درآمدند و در جهت رفع نیازهای آنها تلاش کردند. کشاورزان بابت کار برای متفقین روزانه سه تومان و دو قران مزد می‌گرفتند که راضی بودند^۱، چرا که در همین زمان مجموع درآمد روزانه رعایا پنج تا شش ریال بود، البته به شرطی که محصول کشاورزی دچار خشکسالی و آفت نمی‌شد. بیشتر کشاورزان که با این درآمد اندک قادر به تأمین هزینه‌های زندگی خود نبودند، از کار زراعت دست کشیدند و به شغل عملگی روی آوردند، که خود روزی ۱۶ ریال و فرزندانشان که بیشتر از ده سال داشتند، روزی ده ریال اجرت می‌گرفتند.^۲ بنابراین، خروج روستاییان و رها کردن زمین‌های کشاورزی ضربه شدیدی به اقتصاد ایران که مبتنی بر کشاورزی بود وارد کرد و در طول جنگ و سال‌های پس از آن به گسترش قحطی و رشد شدید تورم دامن زد.

در ادامه نوشتار به بررسی مداخلات دولت‌های متفقین در حوزه کشاورزی و سیاست آنان در این بخش می‌پردازیم تا مشخص شود آنان چگونه بر سیاست کشاورزی ایران تأثیر گذاشتند.

تصاحب ساختمان‌های دولتی، ماشین‌آلات کشاورزی و اراضی زراعی

دولت شوروی در شهرهای شمالی و دولت انگلستان در نواحی غربی و جنوبی ایران بعضی از ساختمان‌های وزارت کشاورزی را اشغال کردند، به طوری که سه ساختمان متعلق به وزارت کشاورزی در محل اهواز نو در فروردین ۱۳۳۲ (مارس ۱۹۴۳) توسط نیروی انگلیس تصاحب گردید، حال آنکه در این خصوص هیچ‌گونه قراردادی ما بین دو دولت ایران و انگلستان بسته نشده بود. این ساختمان‌ها پیش از اشغال توسط انگلیس از ادارات وزارت کشاورزی و نیز انبار آن بودند و اشغال آنها وزارتخانه را با مشکل کمبود جا مواجه ساخت.^۳

متفقین برای تعمیر ماشین‌های جنگی خود جایگاه خاصی نداشتند. بنابراین، مکان‌هایی را که ماشین‌آلات کشاورزی در آن نگهداری می‌شد به‌زور تصاحب کردند تا ماشین‌آلات خود را تعمیر نمایند. بدین ترتیب، ماشین‌ها و ادوات کشاورزی ایران در فضای باز قرار گرفت و زیر باران ماند و خراب شد.^۴ همین مسئله

۱. مهدی فرخ، خاطرات سیاسی فرخ (بی‌جا: انتشارات جاویدان، بی‌تا)، ص ۵۰۱.

۲. اطلاعات، ۱۳۳۱، ش ۴۹۱۹، ص ۱.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۱۷۳۸۹-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۱۸۵۱۱، سند ۱۴.

۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۰، کارتن ۴۱، پرونده ۲۹۷، سند ۲.

موجب شد زمین‌هایی که هنوز در جنوب ایران زیر کشت می‌رفت با مشکل تجهیزات کشاورزی مواجه شود. دولت ایران برای حل این مشکل هیئتی از طرف وزارت کشاورزی به شهرهای شمالی اعزام داشت تا از دولت شوروی بخواهد این مکان‌ها را تخلیه کند. ولی هیئت مزبور با جواب منفی روس‌ها مواجه گشت.^۱ خرابی و استهلاک شدید ماشین‌آلات کشاورزی از نتایج اقدام متفقین بود که در آستانه فصل برداشت خسارت شدیدی را متوجه کشاورزان کرد. برای نمونه، در گرگان، به خاطر این کار متفقین، گاوآهن لازم برای شخم‌زنی وجود نداشت. بنابراین، محصول کمی کشت شد که طبیعتاً کمبود غله را به دنبال داشت. همچنین اشغال بنگاه‌های کشاورزی در شاهی (قائم‌شهر کنونی) و بابل که محل نگهداری وسایل کشاورزی نیز بودند و شوروی به هیچ وجه به کارمندان کشاورزی اجازه ورود به آنها را نداد،^۲ موجب گردید کشاورزان به خاطر نبود ابزارآلات لازم موعد مقرر کشت محصول را از دست بدهند. تصاحب اراضی به خصوص از طرف شوروی در اراضی شمالی کشور انجام گرفت.^۳ شوروی شمال کشور را که یکی از مراکز اصلی تولید گندم و برنج به شمار می‌رفت، مجزا ساخت و در نتیجه تولیدات این بخش در اختیار انحصاری مقامات شوروی درآمد که البته قسمتی از آن به مصرف خود بخش اشغالی می‌رسید. از سوی دیگر ورود ارتش سرخ شوروی با نابودی مزارع و محصولات همراه بود و مانع برداشت محصول گندم شد.^۴ نیروی نظامی این کشور بسیاری از زمین‌های مردم را تصاحب کرد. دولت شوروی، در توجیه این اقدامات خود، مدارکی ارائه داد مبنی بر اینکه اراضی از طرف اهالی به موجب اسنادی به شوروی واگذار شده است.^۵ در کنار این اقدام باید از ورود پناهجویان لهستانی به ایران از طرف شوروی‌ها یاد کرد که با آمدن آنان به ایران، فشارها، به‌ویژه از نظر کمبود مواد غذایی، بر مردم ایران دو چندان شد. در همین زمینه رئیس اداره بندر پهلوی در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۲۱ (۱۲ اوت ۱۹۴۲) در گزارش خود نوشت:

از اوایل سال جاری، به‌واسطه ورود مهاجرین لهستانی و وجود نیروی بیگانه، در بندر پهلوی اوضاع خواربار به طور تصاعدی ترقی کرده، مخصوصاً برنج که قوت اهالی است، از چند روز پیش روز به روز مشکل و میزان بهای آن از خرواری ۲۰ من شاه ۴۰۰ ریال به ۸۰۰ ریال ترقی کرده و از همه سخت‌تر، در این ایام میزان عرضه آن بر میزان تقاضا رو به نقصان گذاشته، به طوری که فعلاً با بهای خرواری ۲۰ من شاه ۸۰۰ ریال هم به دست نمی‌آید... اخیراً به مناسبت ورود مهاجرین لهستانی که از تاریخ ۱۳۲۱/۰۵/۲۰ اولین کشتی آنان وارد گردید، به قیمت کلیه

۱. همان، سال ۱۳۲۰، کارتن ۴۱، پرونده ۲۹۷، سند ۱.

۲. همان، سال ۱۳۲۰، کارتن ۴۱، پرونده ۲۹۷، سند ۴.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۱۶۹۹۶-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۴۰۶/۱۱۱، سند ۳۴.

۴. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری، سند ۱۰۱۰۰۸/۸۸۲۲/۱۰، حاوی نامه زارغان مرند.

۵. همان، سند ۶۳.

مایحتاج زندگانی خاصه خواربار به مراتب افزوده شد و دکاکین علافها که تا چند روز پیش مملو از برنج‌های مختلفه بود، به کلی خالی و معلوم نیست ناگهان فروخته و یا احتکار کرده‌اند.^۱

کار دیگر نیروهای متفقین آن بود که برای تأمین غله مورد نیاز خود اقدام به کاشت اراضی کردند. «در خوی، سلماس، مرند، رضاییه، شاهپور و ماکو در روستاها اراضی را شیار و صیفی کاری و زراعت نموده و مالک را مداخله نمی‌دادند.»^۲ این اقدام آنان سبب شد کشاورزان بیکار شوند و بخشی از آنها برای تأمین معاش خود به شهرها و شغل کارگری روی بیاورند. از جانب دیگر، نیروهای متفقین محصولات کشاورزی را برای مصرف نیروهای خود استفاده می‌کردند و همین کار آنها موجب کمبود مواد غذایی در ایران شد.

دخالت در امور اداری بخش کشاورزی

در کنار تصاحب زمین، دخالت در سیاست‌گذاری‌های مربوط به بخش کشاورزی از دیگر اقدامات نیروهای متفقین در ایران بود. آنان بدون توجه به حاکمیت دولت مرکزی ایران و بدون اجازه به ادارات محلی مراجعه و برای تهیه مواد و وسایل مورد نیاز خود از آنها اطلاعات جمع‌آوری می‌کردند.^۳ این اقدام باعث متلاشی شدن و از بین رفتن پرونده‌های موجود در ادارات گردید و نظام خدمات‌رسانی به کشاورزان را مختل کرد. برای مثال «در نتیجه اشغال شهرستان قزوین از طرف ارتش سرخ و گرفتن ادارات اقتصادی و مالی اغلب پرونده‌ها و اوراق از بین رفت و از صورت تعهدات سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ در حدود ۵۶ فقره بیشتر به دست نیامد.»^۴

از دیگر مظاهر مداخله متفقین در امور اداری، قیمت‌گذاری نامناسب محصولات توسط آنها بود، قیمت‌هایی که به هیچ وجه متناسب با زندگی کشاورزان نبود و در نتیجه انگیزه آنها را برای کشت محصول کاهش می‌داد، چون فکر می‌کردند با این وضعیت این کار برای آنها هیچ سودی نخواهد داشت.^۵ سخنان وزیر دارایی وقت ایران در این زمینه شاهدهی بر این ادعاست:

از سال ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) به بعد که اداره تثبیت غله تشکیل شد، قیمت گندم تقریباً ثابت و اگر افزایش نسبت به آن حاصل می‌شد، ناچیز بود. ولی در سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) در اثر یک سلسله عوامل استثنایی [جنگ جهانی دوم] قیمت سایر کالاها ترقی کرد و مالکین گندم نیز به استناد این موضوع قیمت زیادتری برای گندم خود تقاضا کردند. دولت از لحاظ همان نمایندگی که

۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند ۳۳۰۰۰۰۰۸۷، ص ۳.

۲. همان، شماره مدرک ۲۸۴۸۴-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند ۴۸.

۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۲، کارتن ۱۲، پرونده ۲، سند ۴۵.

۴. ایران در اشغال متفقین (مجموعه اسناد و مدارک)، به کوشش صفاءالدین تبراییان (تهران: نشر دیبا، ۱۳۷۱)، ص ۳۳۹.

۵. اطلاعات، ش ۴۸۴۴، ۱.

نسبت به حفظ منافع عموم داشت این تقاضا را پذیرفت و قیمت گندم را با در نظر گرفتن وضعیت هر محل از ۶۰ تا ۱۰۰ درصد ترقی داد. متأسفانه وجود همان عوامل استثنایی در ۱۳۳۱ (۱۹۴۲) ادامه پیدا کرد و سیر تصاعد قیمت‌ها را متوقف نمود و مجدداً زمزمه کم بودن نرخ گندم و حتی تقاضای آزاد شدن نرخ آن از طرف مالکین بلند گردید...^۱

افزایش قیمت ضربات جبران‌ناپذیری بر کشاورزی ایران وارد کرد: «بازار از تعادل کلی خارج است. دیگر قیمت روز و عرف روز معنی ندارد. بلکه هر لحظه متلاطم است و بهای اجناس بدون توجه تنها برای استفاده معدودی دلال و موقع‌شناس بالا می‌رود.»^۲ به این ترتیب، عنصر سودجویی داخلی نیز با احتکار و گران‌فروشی موجب شد اوضاع وخیم‌تر و در برخی از شهرها شورش‌هایی بر پا شود.

غارت محصولات

سربازان قوای متفقین گاهی به طور مستقیم و با خشونت اقدام به غارت محصولات کشاورزی می‌کردند. در جریان اشغال ایران، سربازان شوروی به انبار کشاورزان در روستاها حمله بردند و از محصولات آنها تا جایی که می‌توانستند غارت کردند و بقیه را به دست اشرار محل سپردند.^۳ ارتش متفقین گاه غیرمستقیم و با استخدام اشرار محلی دست به این کار می‌زدند: «مأموریت آنها تحریک و آتش زدن خرمن‌ها در قرا و قصبات می‌باشد و به علاوه مأموریت داشتند با نشر خبرهای دروغ حاکی از خرابی اوضاع، ذهن دهقانان و زارعین ساده‌لوح را مغشوش و آنها را وادار نمایند که ارزاق عمومی را ذخیره و انبار نمایند.»^۴ همچنین اشغالگران با اختلال ایجاد کردن در کار شهربانی و ژندارمیری ایران باعث می‌شدند دسته‌های اشرار از این موقعیت سوءاستفاده کنند و به غارت محصولات کشاورزی بپردازند.^۵ بنابراین، عنصر داخلی در مشارکت با خارجیان بار دیگر بحران را تشدید کرد: «در پاره‌ای از نقاط زراعتی از جمله نه‌اوند یک عده اشرار پیدا شدند که مخل پیشرفت کار زراعت می‌باشند. آنها گاو و گوسفند روستاییان را غارت می‌کنند و بذر مختصری را که در دست آنها باقی است، می‌ربایند. برخی از این اشرار مسلح هستند و بنابراین مردم به تنهایی از دفع آنان عاجزند.»^۶ این عوامل باعث شد تعداد زیادی از روستاییان نیز، به علت فقر و قحطی کالاهای اساسی، به دزدی و غارت محصولات کشاورزی بپردازند. مثلاً در تنگه‌دختر، بین راه بوشهر به شیراز، «عده‌ای از رعایای گرسنه مانع از عبور کامیون حامل گندم شدند و آن را غارت

۱. کوشش، ش ۵۹۲۳، ص ۱.

۲. همان، ش ۵۰۳۴، ص ۱.

۳. فریدون آزاده، صادق احمدیان، *سیرتاریخ کشاورزی ایران* (تهران: چشمه، ۱۳۷۲)، ص ۴۷.

۴. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۲۴۰۰۰۵۹۰۷، محل در آرشیو ۸۱۵خ۱۳، سند ۵.

۵. همان، سند ۳۳.

۶. اطلاعات، ش ۴۷۰۲، ص ۱.

کردند.^۱ به این ترتیب، نیروهای خارجی از سویی و مردم عادی برای تأمین معاش خود از سوی دیگر به غارت محصولات کشاورزی دست زدند و همین عامل سبب کمبود شدید مواد غذایی گشت.

خرید عمده محصولات

متفقین پس از اشغال ایران، برای تأمین نیازهای سربازان خود از منابع داخلی این کشور استفاده کردند. هزینه کم کاشت گندم و حمل و نقل آن در داخل ایران، سهل‌انگاری و بی‌توجهی دولت در نظارت بر اقدامات سربازان متفقین، و مشکلات حمل و نقل برای انتقال محصولات در داخل ایران همگی منجر به خرید اقلام کشاورزی از جانب متفقین گردید. متفقین برای تأمین «مواد غذایی ۱۵۰ هزار سرباز خود و حتی نظامیان خارج از مرزهای ایران، بنا بر روایت اسناد، اقدام به خرید گندم، برنج، شکر، قند و روغن در سطح وسیعی در داخل ایران کردند.^۲ انگلیسی‌ها با وجود کمبود مواد غذایی در ایران، حتی بخشی از نیازهای سربازان خود در عراق (غیر از غله و گوشت) را نیز بدون انجام دادن تشریفات گمرکی و پرداخت عوارض از ایران تأمین می‌کردند.^۳ البته گاهی هم این عمل به شکل قانونی و در قالب عقد قراردادهایی با دولت ایران انجام می‌گرفت تا جنبه قانونی داشته باشد. از جمله این قراردادهای پیمان تجاری‌ای بود که در سال ۱۳۱۹ بین ایران و شوروی منعقد گردید و به موجب آن دولت ایران متعهد شد برای برآوردن نیازهای شوروی سالیانه ۷۰۰۰ تن گندم و ۱۵۰۰۰ تن جو و ۳۰۰۰۰ تن برنج به دولت شوروی تحویل دهد.^۴ این در حالی بود که ایران در همین زمان خود با کمبود مواد غذایی و تأمین حداقل نیازهای مردم روبه‌رو بود.

خلال در حمل و نقل محصولات کشاورزی و ورود کالا به ایران

دولت‌های متفقین برای تأمین منافع خود و همچنین تضمین احتیاجات نظامیان حاضر در ایران، در حمل و نقل محصولات کشاورزی و به‌خصوص خواربار اخلال ایجاد می‌کردند. مثلاً کنسول انگلیس برای تضمین گندم مورد نیاز قوای انگلیس از حمل مازاد گندم خوزستان به تهران ممانعت کرد.^۵ و فرمانده نیروهای شوروی در سمنان، زنجان، قزوین، چالوس و نوشهر اجازه نداد هیچ نوع خوارباری، و به‌خصوص گندم، از طریق کامیون و راه‌آهن به تهران حمل شود.^۶ همچنین قوای شوروی از حمل آزاد غله آذربایجان، استان‌های شمالی و خراسان به دیگر نقاط کشور جلوگیری می‌کرد.^۷ این اقدامات متفقین

۱. همان، ش ۵۴۵۳، ص ۴.

۲. ایران در اشغال متفقین، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند ۱۲۴۴۷-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۲۵۰۹ غ ۱۲ آ.ا.

۴. ایرج ذوقی، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم (تهران، پازنگ، ۱۳۶۸)، ص ۱۳۵.

۵. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۴۹، پرونده ۱۱، سند ۳۹.

۶. همان، سال ۱۳۲۱، کارتن ۴۹، پرونده ۱۱، سند ۳۵.

۷. ذوقی، ص ۱۳۱.

در زمینه حمل و نقل، دولت ایران را بر آن داشت که طی مکاتبه با وزرای مختار دو کشور تذکراتی در این باب به ایشان بدهد. روزنامه‌ها نیز شروع به قلم‌برداری در این خصوص کردند. دولت‌های شوروی و انگلیس در واکنش به تذکرات دولت ایران و مطالب روزنامه‌ها به کتمان حقایق پرداختند. اسمیرنوف^۱، وزیرمختار شوروی در ایران، در واکنش به این گفته که قوای نظامی شوروی مانع حمل گندم از شهرستان‌های شمالی به طرف تهران شده‌اند، استدلال آورد که «نیروهای نظامی ایران از آنان تقاضای همکاری کرده‌اند که مانع گذر ماشین‌هایی شوند که مجوز قانونی ندارند و این امر را به هیچ وجه دخالت در امور داخلی ایران ندانستند.»^۲

بر اثر دخالت اشغالگران بعد از شهریور ۱۳۳۰، روند ورود کالاهای اساسی به ایران مختل گردید و واردات برنج، شکر، قند، روغن و گندم به ایران کم شد و در نتیجه قیمت این اجناس افزایش یافت. عاملی که در تشدید این روند تأثیر داشت این بود که پیش از جنگ ورود کالا از خارج به داخل ایران بسیار محدود بود و برای همین در کشور ذخیره زیادی در انبارها و گمرک وجود نداشت. به همین دلیل با شروع جنگ مقدار کمی کالا سفارش داده شد. اما با اشغال ایران در روند انتقال کالاهایی که در گمرک وجود داشت و یا در حال رسیدن به ایران بود خلل وارد شد. مأمورین شوروی حاضر به تحویل این اجناس به دولت ایران نبودند، زیرا در این کالاهای حقی برای خود قائل بودند، یعنی آن را جزء اموال دشمن و غنائم جنگی می‌دانستند. سرانجام طی مذاکرات متعددی که در این باره با مقامات شوروی انجام گرفت، مأمورین شوروی یک قسمت از اموال مزبور را که مورد احتیاجشان بود برداشتند و برای تحویل بقیه به صاحبان آنها معادل تمام قیمت آن را مجدداً دریافت کردند. این اقدام بالاجبار قیمت اجناس را بالا برد. توجیه مقامات شوروی در مورد تصرف اجناس مزبور این بود که چون این اجناس به نام اتباع آلمان حمل شده است، پس دارایی آلمان تلقی می‌شود و به این جهت دولت شوروی حق دارد آنها را ضبط کند و به‌عنوان مال خود به تجار ایرانی بفروشد، حال آنکه اتباع آلمان که جنس به نام آنها وارد شده بود فقط دلال معامله بودند.^۳

افزایش قاچاق و احتکار کالاهای اساسی

از دیگر اثرات شوم جنگ در ایران افزایش قاچاق کالاهای بود که در تشدید بحران خواربار و به‌خصوص قحطی گندم نقش اساسی داشت. به علت برهم خوردن نظام مالی و اداری ایران و همچنین کاهش کنترل و نظارت دولت که در نتیجه اشغال ایران توسط متفقین به وجود آمده بود، سودجویان در شهرهای

1. Smirnov

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۴۹، پرونده ۱۱، سند ۱۸.
۳. اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ج ۳ (تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۶)، ص ۴۴.

مرزی مجاور کشورهای ترکیه و عراق خواربار و به‌خصوص گندم را به این کشورها قاچاق می‌کردند.^۱ همچنین عده‌ای از دلالان و بازرگانان از موقعیت پیش‌آمده سوءاستفاده کردند و با انجام دادن معاملات صوری و مجهول زمینه‌ی احتکار و تشویش اذهان را فراهم نمودند که در تشدید روند قاچاق مؤثر بود. افزون بر این، «عده‌ای دیگر از دلالان به قرا و قصبات رفته کشاورزان بی‌خبر از اوضاع را تطمیع و حاصل دسترنج آنها را به نام پیش‌خرید غله از آنها گرفته، در نقاط مختلف پنهان کرده و از این راه بهره‌مند می‌گشتند.»^۲ بذر محصولات کشاورزی نیز در طی سال‌های جنگ قاچاق می‌شد، به طوری که تخم بعضی از محصولات به دلیل اینکه در دست دلالان قرار داشت بسیار گران‌تر از قیمت مصوب دولت به فروش می‌رفت و همه‌ی کشاورزان قادر به تهیه‌ی بذر با این قیمت بالا نبودند و در نتیجه از کشت محصول منصرف می‌گردیدند.^۳

در این میان عده‌ای از سودجویان و اخلاص‌گرا نیز به خرابکاری دست زدند و در بعضی جاها سیلوه‌ها و انبارها را به آتش کشیدند. در این خصوص می‌توان به حریق عمدی انبار غله‌ی تهران اشاره کرد که موجب قحطی در تهران گردید. هرچند عامل حقیقی این حریق شناسایی نشد، برخی از جرایم چون رئیس انبار غله‌ی تهران در این زمان از اعضای حزب توده بود، این واقعه را به حزب توده نسبت دادند.^۴ و برخی دیگر نیروهای انگلیسی و روسی را در این کار دخیل دانستند.^۵

مجموع اقدامات متفقین به همراه بلایای طبیعی که در طی همین سال‌ها بر سر ایران آمد، به کلی حیات کشاورزی ایران را ویران ساخت. از مهم‌ترین این بلایا هجوم ملخ بود که «حتی برگ درخت‌ها و علف بیابان‌ها را هم خورده و مردم را دچار قحطی و سختی نموده» بود.^۶ نداشتن بودجه‌ی کافی باعث شد دولت نتواند سم لازم برای دفع آفات را خریداری کند و به این ترتیب «کلیه‌ی محصولات درختی از قبیل گردو و مو» از بین بروند.^۷

این شش مورد نشان می‌دهند متفقین با سیاست‌های سودجویانه‌ی خود اثرات زیانباری بر زندگی اکثر مردم ایران گذاشتند. در این میان، بیشترین ضربه و فشار بر اقشار فرودست و طبقات پایین جامعه و به‌خصوص کشاورزان و رعایا وارد گردید. بیشتر مردم ایران در روستاها ساکن بودند و عموماً کار

۱. اطلاعات، ش ۵۰۴۵، ص ۱.

۲. همان، ش ۳۹۳۳، ص ۱.

۳. اطلاعات، ش ۵۱۴۲، ص ۱.

۴. رعد امروز، ش ۷، ص ۱.

۵. نوبهار، ش ۲۷، ۱۵ فروردین ۱۳۳۲، ص ۱.

۶. همان، ش ۴۸۶۶، ۱۷ فروردین ۱۳۳۱، ص ۱.

۷. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۶۸۸۲-۳۵۰، محل در آرشیو نامشخص، سند ۷.

کشاورزی می‌کردند.^۱ ترک زراعت و تخلیه روستاها ضربه جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد آورد و به گسترش قحطی و گرانی دامن زد. نیاز متفقین به کارگران ایرانی در جاده‌سازی و حمل و نقل بار باعث شد بسیاری از رعایا کار کشاورزی را رها کنند و به خدمت متفقین، خصوصاً انگلیسی‌ها، درآیند و در جهت رفع نیازهای آنان تلاش کنند. باید توجه داشت که مشغول شدن به این کارهای کاذب مشکلی از امور رعایا حل نمی‌کرد، زیرا بعد از مدتی، به‌خصوص با نزدیک شدن به پایان جنگ، بیکار می‌شدند و چون در نتیجه رفتن کشاورزان، روستاها و دهات ویران شده بود، بر مشکل آنان افزوده می‌گشت و با بدبختی عظیمی روبه‌رو می‌شدند.^۲

با رکودی که در بخش کشاورزی ایران در پی حضور اشغالگران به وجود آمد، وضعیت خواربار در شرایط نامناسبی قرار گرفت و گندم، جو، برنج، شکر، قند و روغن گران و کمیاب شد. به‌خصوص قحطی گندم مشکلات زیادی برای مردم به بار آورد. انگلیسی‌ها در مواجهه با این بحران و کمیابی و گرانی خواربار و قحطی گندم، سعی داشتند تأمین آن را به هر صورت ممکن بر عهده دولت ایران قرار دهند. سفارت انگلیس در تهران در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۲۱ (۲ ژوئن ۱۹۴۲) در یادداشتی خطاب به دولت ایران برای رفع کمبود غله راهکارهایی داد. در این یادداشت دولت انگلیس از ایران خواسته بود فعالیت‌های بانک کشاورزی و سازمان‌های محلی به نحوی صورت گیرد که برای تهیه و خرید آلات و ادوات کشاورزی و دام و امور آبیاری به کشاورزان وام داده شود. به دهقانانی که به‌ناچار ذخیره بذر خود را به مصرف رسانیده‌اند، به موقع خود کمک شود و رسیدگی به حال آنان بر تأمین تمام نیازمندی‌های شهرنشینان مقدم داشته شود. برای محصول سال ۱۹۴۲ (۱۳۲۱) سریعاً قیمت تعیین گردد تا مانع از فروش اجناس توسط کشاورزان شود. دولت شاهنشاهی نرخی را که سایر دول خاورمیانه برای خرید هر خوار^۳ گندم تعیین کرده‌اند در نظر بگیرد (مصر ۲۱ لیره انگلیسی، سوریه ۲۵-۲۸ لیره، فلسطین ۲۲ لیره، قبرس ۱۷ لیره و مخصوصاً نرخ ۲۰ لیره که عراق برحسب اجبار گندم را می‌خرد). مرز طولانی و نسبتاً باز و تفاوت نرخ لیره در ایران با قیمت آن در آن طرف سرحد، بدون شک موجب ازدیاد قاچاق می‌گردد، برای تأمین این منظور که از تمام گندم‌های خریداری‌شده صددرصد آرد گندم به دست آید، قوانینی تدوین گردد و نظارتی در کار باشد که از مخلوط کردن مواد تقلبی جلوگیری شود. و در نهایت اینکه تصمیمات دولت شاهنشاهی برای کاستن از کشت محصولات غیرغله، در روستاها و شهرها، به اطلاع عموم مردم برسد و تا حد مقدور نرخ غلات از قبل تعیین و به کشاورزان اعلام گردد، زیرا این کار کشاورز را به کشت

۱. ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران (تهران: نی، ۱۳۶۷)، ص ۲۴.

۲. احمد کتابی، سرزمین میزرا کوچک خان (تهران: معصومی، ۱۳۶۲)، ص ۱۳۲.

۳. هر خوار معادل ۱۰۰ من و به عبارتی ۳۰۰ کیلوگرم است.

غلات تشویق می‌کند.^۱

چنانکه از متن یادداشت برمی‌آید، انگلیسی‌ها ایرانیان را عامل همه مشکلات و کمیابی و گرانی برمی‌شمردند و متفقین را از تأثیرگذاری بر قیمت‌ها و کمیابی و قحطی غله مبرا می‌دانستند. بولارد^۲ سیاست نادرست رضا شاه در سال ۱۳۱۹ (۱۹۴۰) را علت کمبود و قحطی و گرانی گندم در ایام جنگ می‌داند. به زعم وی، رضا شاه موفق نگردید میان تولید و مصرف غله در نقاط پرمحصول و قحطی‌زده توازن برقرار کند و همین امر باعث سوءاستفاده مقامات دولتی از وضع موجود گردید.^۳

در پاسخ به تذکریه انگلیسی‌ها، دولت ایران معتقد بود عدم کاشت بذر، به مانند گذشته، منجر به کاهش محصول شده است و در نواحی غرب و جنوب کشور که کشت به صورت دیمی است به خاطر عدم بارندگی بیش از نیمی از حاصل دیم از میان رفته است. به علاوه، به دلیل عدم حضور قوای نظامی دولت ایران در مرز و بی‌توجهی به مقررات گمرکی هنگام ورود و خروج کامیون‌های متفقین، مقدار زیادی خواربار به طور غیرمجاز از کشور خارج شده که این امر بر وخامت اوضاع خواربار افزوده است. کمبود نیروی کار در روستاها نیز به دلیل آنکه کشاورزان به‌عنوان کارگر به خدمت متفقین درمی‌آیند بر مشکلات دامن زده است. استفاده قوای متفقین و لهستانی از خواربار کشور و سوءاستفاده قوای متفقین و دلال‌ها نیز که اجناس و خواربار را به قیمت گزاف و برخلاف مقررات خریداری می‌کنند و باعث افزایش قیمت اجناس و خواربار می‌شوند، گندمکاران را دچار وحشت کرده است، تا جایی که محصولات خود را احتکار و در فروش آن به دولت تعلل می‌کنند که البته دولت از طریق قانون منع احتکار سعی می‌کند به مبارزه با آنان بپردازد. همچنین کمبود گندم برخی از نقاط کشور را می‌بایست از طریق سایر شهرها تأمین کرد که این امر به خاطر نبودن کامیون و لاستیک میسر نمی‌شود. دولت انگلیس در پاسخ به این گفته‌ها، ضمن تصدیق مشکلاتی که دولت ایران برای تأمین خواربار کشور با آن مواجه است، این امر را که مقصر تمام یا قسمتی از علت کمیابی گندم متفقین هستند نمی‌پذیرد.^۴

از جمله عوامل تأثیرگذار بر کمبود نان و غله عدم اجازه حمل غله به اشخاص بود، مگر به افرادی که از طرف فرمانداری‌های محل جواز حمل دریافت می‌کردند. علاوه بر این، ارتش شوروی همه وسایل موتوری و مسافرانی را که در مسیر شمال رفت و آمد می‌کردند، در چند نقطه بازرسی و مزاحمت‌هایی ایجاد می‌کرد. در حالی که رادیو لندن خبر از ارسال گندم برای ایران می‌داد، نیروهای بیگانه محصول غله ایران و بعضی مواد دیگر را به خارج حمل می‌کردند. در این باره روزنامه‌ها نوشتند: «با رادیو گندم وارد

۱. اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ص ۲۵۱-۲۵۳.

2. Sir Reader William Bullard

۳. ریدر ویلیام بولارد، اسکرین کلارمونت، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳)، ص ۸۳.

۴. اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ص ۳-۴۲.

می‌کنند و با کامیون خارج می‌نمایند.^۱ بر اثر دخالت‌های متفقین در روند حمل و نقل و تولید خواربار، به‌خصوص گندم، ایران با مشکل قحطی گندم مواجه شد. جدی‌ترین مقطع کمبود غله و نان مربوط به سال ۱۳۲۱ بود که قیمت نان در بازار آزاد به بیش از ۱۵ برابر رسید. قوام‌السلطنه در یکی از کنفرانس‌های مطبوعاتی خود در تابستان سال ۱۳۲۱ قرص نانی را روی میز کنفرانس گذاشت و گفت: «مشکل من این است. اگر بتوانم نان مرغوب در دسترس همه ایرانیان قرار بدهم سایر مشکلات حل خواهد شد.»^۲ زمانی که در سال ۱۳۲۱ قحطی و گرانی گندم تشدید گردید، دولت ایران، بنا به پیشنهاد متفقین، نان و برخی از کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را جیره‌بندی کرد. حتی در تهران و دیگر شهرهای قحطی‌زده هم نان جیره‌بندی شد که ۸۰۰ گرم برای کارگران و ۴۰۰ گرم برای سایرین به صورت روزانه معین گردید.^۳ اما سهمیه‌بندی نیز گره از مشکلات مردم باز نکرد، زیرا کالاهای جیره‌بندی شده به چندین برابر در بازار آزاد خرید و فروش می‌گردید. سهمیه اختصاص یافته برای نانوايي‌ها کم و نامرغوب بود. در این میان، برخی از متنفذین محلی در تهران و شهرستان‌ها هم که در ظاهر وظیفه توزیع کالاهای سهمیه‌ای را بر عهده داشتند، از گرفتاری و بی‌خبری بخشی از مردم در مورد اوراق جیره‌بندی و شماره‌های آن سوءاستفاده‌های فراوانی می‌کردند و با ایجاد بازار سیاه باعث ازدحام مردم جلو نانوايي‌ها، تشویش اذهان مردم و احساس ناامنی می‌شدند. نانوايان نیز در جریان بحران غله از تنبیه و تهدید بی‌نصیب نماندند، زیرا آردها را الکی می‌کردند و از آرد مرغوب الک‌شده برای ثروتمندان نان می‌پختند و برای بقیه مردم، آرد را با خاک اَره، خاکستر و خاک مخلوط و نان بسیار نامرغوب و غیربهداشتی تهیه می‌نمودند.^۴ این امر باعث افزایش بیماری در بین اطفال و کودکان گشت و آمار متوفیات بیشتر شد.^۵ دولت برای حل این مشکلات اقدام به راه‌اندازی نانوايي در سیلوها کرد؛ از فروردین ۱۳۲۲ نان مصرفی شهر در یک نانوايي مرکزی تهیه می‌شد و توسط مغازه‌های دولتی به فروش می‌رسید. این اقدام باعث تعطیلی ۴۲۱ نانوايي گشت. هرچند از کارگران آنها در نانوايي سیلو استفاده گردید. از ۲۱۵ تن آردی که به پخت نان تهران اختصاص داده شده بود ۹۰ تن آن به مصرف نان سیلو می‌رسید و بقیه بین نانوايي‌ها پخش می‌شد.^۶ نتیجه کمبود گندم و کمیابی نان بالا گرفتن بلوهای خیابانی در تهران و شهرستان‌ها در طول سال‌های

۱. جان فوران، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین (تهران: رسا، ۱۳۷۸)، ص ۹۰-۹۱.

۲. همان، ص ۳۹۸.

۳. ایران، ش ۷۰۵۷، ص ۱.

۴. اطلاعات، ش ۵۰۷۴، ص ۱.

۵. حسین کوهی کرمانی (مدیر روزنامه نسیم صبا)، از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان (تهران: مظاهری، ۱۳۶۵)، ص ۹.

۶. کریم سلیمانی، جمیله عزیزخواه، «اقدامات میلسیو برای حل بحران نان سال‌های ۱۳۲۱-۱۳۲۲»، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، س ۳، ش ۱۲ (۱۳۹۱)، ص ۹۰-۹۱.

اشغال ایران بود. مهم‌ترین این شورش‌ها واقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ (۸ دسامبر ۱۹۴۲) در تهران بود که به بلوای نان معروف شد و به شورش اقشار گوناگون جامعه منجر گشت. در این بلوا که تظاهرات‌کنندگان فریاد «یا مرگ یا نان» سر می‌دادند، ده‌ها نفر کشته، صدها نفر مجروح و عده زیادی هم بازداشت شدند و خسارات قابل توجهی به بازار و مغازه‌ها وارد آمد.^۱ همچنین پانزده حرکت اعتراضی دیگر از طرف مردم در نقاط مختلف کشور به وقوع پیوست که نخستین آن در کرمانشاه بود که از مناطق استقرار نیروهای انگلیسی بود. این اعتراض به دلیل گرانی و کمبود نان و کالاهای مورد نیاز مردم شکل گرفت که به درگیری مردم با نیروهای انتظامی و کشته و مجروح شدن عده‌ای انجامید.^۲ مهم‌ترین اعتراضات بعدی در شهرهای داراب، رشت، بروجرد، آشتیان، قزوین، گلپایگان، اراک، ملایر، نجف‌آباد، زنجان، سنج و تبریز روی داد. شورش مردم اراک طولانی‌ترین حرکت اعتراضی بود که از شهریور تا اسفند ۱۳۲۱ به درازا کشید.^۳ شورش‌ها و اعتراضات مردم در نقاط مختلف، متفکین و به‌خصوص دولت انگلیس را به وحشت انداخت و برای همین رضایت دادند مقداری گندم به ایران ارسال گردد. با رسیدن گندم‌های وارداتی در اوایل ۱۳۲۲ (۱۹۴۳) وضعیت اندکی بهبود یافت.^۴

اشغال ایران توسط نیروهای متفکین نه‌تنها باعث کمبود و گرانی نان و گندم، بلکه سایر اقلام خوراکی مانند برنج، قند و شکر، گوشت و روغن نیز گردید. پس از حادثه اشغال ایران بهای برنج ترقی فاحشی یافت. ارسال برنج توسط تجار و اداره اقتصادی به شهرهای دیگر از یک سو باعث ترقی قیمت آن در شهرهای مبدأ می‌شد و عدم ارسال آن نیز همین اتفاق را در شهرهایی که برنج آنها از نواحی برنج‌خیز مازندران تأمین می‌شد رقم می‌زد. قیمت برنج در بابل و سولده به دلیل حمل آن به شهرهای دیگر توسط تجار رو به گرانی رفت و در بهشهر که برنج آن از شهرهای مجاور تأمین می‌شد، ممانعت از ارسال آن نگرانی‌هایی را پدید آورد.^۵ در این میان، تلاش‌های دولت هم اغلب به جایی نمی‌رسید. وزیر دارایی در ۲۵ آذر به اتفاق هیئت همراه برای رسیدگی به شکایات مردم در مورد اداره املاک و واگذاری و مطالعه درباره طرز خرید و فروش محصولات مازندران از جمله برنج عازم مازندران و گرگان شد.^۶ ظاهراً پس از بررسی‌هایی از این دست تصمیم گرفته شد ۳۰ درصد برنج صادراتی را به نام تأمین آذوقه شهر در انبارها نگه دارند. اما این تصمیم موجب کمیابی و گران شدن برنج خرده‌فروشی شد. موجود نبودن برنج

۱. ایران در اشغال متفکین، ص ۲۲۷-۲۲۹.

۲. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۲۱۲-۲۹۳، محل در آرشیو ۲۲۳ط۲ب ۱، سند ۳ و ۴.

۳. همان، شماره مدرک ۲۱۸-۲۹۳، محل در آرشیو ۲۲۹ط۲با ۱، سند ۳ تا ۷.

۴. آرتور میلسو، آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ پهلوی (تهران: البرز، ۱۳۷۰)، ص ۱۵۰.

۵. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۶۸۴-۳۱۰، محل در آرشیو نامشخص، سند ۱۶.

۶. اطلاعات، ش ۴۷۴۹، ص ۱.

و بهای روزافزون اندک برنج موجود، در تابستان ۱۳۲۲، صدای اعتراض مردم را از گرگان گرفته تا بابل و شهبسوار درآورد. با وجود تلاش‌های دکتر میلسپو برای سر و سامان دادن به این اوضاع، همچون برکناری محمد اکرم‌الملک از ریاست اداره برنج شهبسوار بنا بر شکایات متواتر اهالی و آگاهی مقامات از ضرورت عاجل رسیدگی به وضع برنج مصرفی رعایا، دست کم تا روزهای پایانی اشغال ایران، بهای برنج همچنان رو به افزایش بود.^۱ کمبود برنج فقط مختص به خطه شمال کشور نبود. بر طبق اسناد، در شهرهایی چون فارس نیز این مشکل وجود داشت. در همین زمینه، شرکت روستایی فارس در نامه‌ای به استانداری دلایل کمبود برنج و افزایش قیمت روزافزون آن را خرید برنج توسط خریداران خارجی و دلالتان می‌داند:

یکی دیگر از مواد خواربار خیلی ضروری و طرف احتیاج برنج است که روز به روز به بهای آن افزوده می‌شود. هر چند یکی از علل عمده ترقی بهای برنج خریداران خارجی می‌باشند که بدون زحمت و اشکال تراشی‌های معمولی متصدیان دولتی و خریداران نافع برنج را به بهای زیاد و به راحتی می‌خرند، علت عمده افزایش قیمت زیاده‌خواهی و بی‌وجدانی عده‌ای بازرگان و دلال است که شبانه‌روز از این راه سوءاستفاده نموده و خون مردم را می‌مکند. درست است که به علت بروز جنگ و وسایط نقلیه و لاستیک کمتر وارد می‌شود و بهای آن خیلی ترقی کرده و در نتیجه کرایه حمل و نقل افزون شده ولی دارندگان وسایط نقلیه با بازرگانان سودطلب هماهنگی کرده زیادتر از حد معمول کرایه را بالا برده‌اند و این علل دست به هم داده و این وضعیت غیرمعقول را فراهم آورده است.^۲

بالا رفتن قیمت اجناس عاقبتی جز احتکار در پی نداشت. حتی با وارد کردن کالاها از راه‌های مختلف و فراوانی اجناس باز دلالتان آنها را احتکار می‌کردند و مردم با کمبود کالا مواجه می‌گشتند.^۳ این گرانی ارزاق شامل روغن نیز می‌شد، به طوری که بهای هر سه کیلو روغن در بازار تهران که سابق بر این از هفتاد ریال بیشتر نمی‌شد به صد و ده ریال رسید و کمیاب گردید. دیگر عامل گرانی روغن صدور این محصول به خارج، به خصوص عراق، توسط قاچاقچیان بود.^۴ علاوه بر قاچاق روغن، قاچاق گوسفند نیز منجر به افزایش قیمت آن در تهران شد.^۵ ایستگاه‌های راه‌آهن از حمل گوسفند که به‌وفور هم در بندر شاه و زنجان موجود بود خودداری می‌کردند و همین امر باعث کمیاب شدن گوشت و افزایش بهای آن

۱. محمد مصدق، سخنرانی‌های احمدآباد، به کوشش امیر طبرانی (تهران: علم، ۱۳۸۹)، ص ۱۴۳.

۲. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۵۰۴-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند ۶.

3. Iran political diaries, 1939-1942, R. M. Burrell, Robert L. Jarman (eds.), Vol. 11 (Archive Editions, 1997), p. 400.

۴. اطلاعات، ش ۴۹۰۹، ص ۱.

۵. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۴۹، پرونده ۱۱،۳، سند ۲۳.

گردید.^۱ حتی با وجودی که دولت به اندازه کافی قند و شکر و پارچه به عاملین توزیع می‌داد این کالاها نیز نایاب و گران بود. دیگر کالاهای اساسی مانند برنج، حبوبات، سبب‌زمینی و خرما هم با بیشترین قیمت به فروش می‌رسید.^۲

وضع اقتصادی ایران قبل از شهریور ۱۳۲۰، از لحاظ واردات اجناس انحصاری از قبیل پارچه، قند و شکر و چای، دخانیات و برنج، در سنوات مختلف نشان‌دهنده وضعیت نامناسب واردات این اجناس است. در حالی که در سال ۱۳۱۹ میزان ۳۰۴،۸۷۱ متر پارچه، ۶۱۲۵۰۴ کیلو قند و شکر، ۵۴،۳۲۰ کیلو چای، ۱۷۵ صندوق کبریت، ۴۹،۳۳۱،۷۰۰ بسته سیگار، ۳۵۴،۶۳۰ کیلو توتون، ۱۸۳،۸۰۰ کیلو برنج وارد کشور گردید، در سال ۱۳۲۱ این مقدار به شدت کاهش یافت. پارچه، سیگار، توتون و برنج که اصلاً وارد نشد و قند و شکر به میزان ۷۳،۴۹۵ کیلو، چای ۵،۱۷۵ کیلو، و ۴۵ صندوق کبریت وارد شد که نسبت به گذشته کاهش چشمگیری داشت. بنابراین، در شرایطی که وضعیت تولید این محصولات در داخل مناسب نبود، واردات آن نیز میسر نشد و همین مسئله ایران را با قحطی مواجه کرد.

مقایسه میزان واردات در دو سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۱

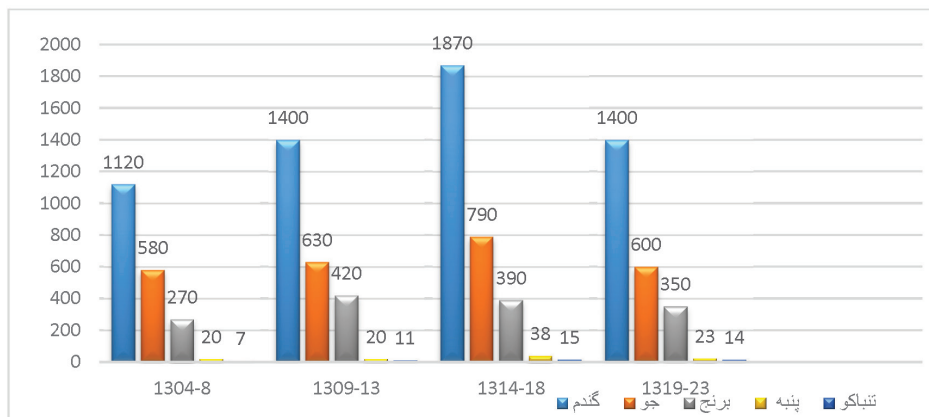
نوع کالا	سال ۱۳۱۹	سال ۱۳۲۱
قماش	۳۰۴۸۷۱ متر	-
قند و شکر	۶۱۲۵۰۴ کیلو	۷۳۴۹۵ کیلو
چای	۵۴۳۲۰ کیلو	۵۱۷۵ کیلو
کبریت	۱۷۵ صندوق	۴/۵ صندوق
سیگار	۴۹۳۳۱۷۰۰ عدد	-
توتون	۳۵۴۶۳۰ کیلو	-
برنج	۱۸۳۸۰۰ کیلو	-

کمبود واردات سبب بالا رفتن قیمت کالاهای آزاد شد و در نتیجه از لحاظ حقوق انحصاری به دولت خساراتی وارد گردید. همچنین زبانی که به افراد برای خرید این کالاها به نرخ آزاد وارد گردید، قابل ملاحظه است. ارزیابی مقدار برداشت محصولات گندم، جو، برنج، پنبه و تنباکو که بیشترین مصرف را در آن زمان داشت، در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۳ (۱۹۴۴-۱۹۲۵)، به‌خوبی نشان‌دهنده وضعیت نامساعد کشاورزی ایران در سال‌های اشغال است.

۱. همان، سال ۱۳۲۱، کارتن ۴۹، پرونده ۱۱،۴، سند ۴۴.

۲. باقر عاقلی، ذکاءالملک فروغی و شه‌ریور ۱۳۳۰ (تهران: سخن، ۱۳۶۷)، ص ۱۹۱.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۱۶۹۹۶-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۴۰۶، سند ۵.

تولید محصولات مختلف کشاورزی (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۳ شمسی) برحسب هزار تن^۱

از نمودار فوق می‌توان دریافت که در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۸ مقدار ۱۱۲۰ هزار تن گندم، ۵۸۰ هزار تن جو، ۲۷۰ هزار تن برنج، ۲۰ هزار تن پنبه و ۷ هزار تن تنباکو تولید شده است. این مقدار در سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳ روند رو به رشدی دارد. چنانکه گندم ۲۸۰ هزار تن، جو ۵۰ هزار تن، برنج ۱۵۰ هزار تن، و تنباکو ۴ هزار تن بیشتر از دوره زمانی قبل تولید می‌شود و پنبه به همان میزان باقی می‌ماند. طی سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸، یعنی سال‌های منتهی به جنگ، افزایش محسوس‌تری در تولید محصولات کشاورزی مشاهده می‌شود. تولید گندم به ۱۸۷۰ تن، جو ۷۹۰ تن، برنج ۳۹۰ تن، پنبه ۳۸ و تنباکو ۱۵ تن می‌رسد، اما این سیر صعودی تولیدات کشاورزی دوام نمی‌آورد. در سال‌های اشغال ایران به یک‌باره شاهد نزول این میزان هستیم. بیش از ۴۷۰ تن از محصول گندم، ۱۹۰ تن از جو، ۴۰ تن از برنج، ۱۵ تن از پنبه و یک تن از تولید تنباکو کاسته می‌شود و همین کاهش محصول در این سال‌ها که ناشی از شرایط نامساعد کشاورزی است، یکی از عوامل ایجاد قحطی و کمبود در ایران می‌گردد.

دولت ایران برای غلبه بر این بحران تصمیم گرفت با دولت آمریکا همکاری کند. بنابراین، در سال ۱۹۴۲ بین دولت‌های دو کشور توافقی صورت گرفت. در نتیجه این توافق، و در چارچوب قانون وام و اجاره، دولت آمریکا مبلغی به ارزش ۴۱/۵ میلیون دلار گندم، اسلحه و مهمات تا پایان جنگ در اختیار دولت ایران قرار داد.^۲ البته برنامه قانون وام و اجاره در دسامبر ۱۹۴۵ قطع گردید. به علاوه، وضع بد اقتصاد ایران به همراه عدم آمادگی کشورهای اشغالگر شوروی و انگلستان برای پرداخت هزینه‌های حمل و نقل

۱. جولیان باری یر، اقتصاد ایران (۱۲۷۹ تا ۱۳۴۹) (تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۳)، ص ۲۵۹.

۲. ابراهیم سنجر، نفوذ آمریکا در ایران (تهران: مؤلف، ۱۳۶۸)، ص ۵۴.

سربازان و خساراتی که در نتیجه جنگ جهانی دوم به ایران وارد کرده بودند و نیز تشدید بحران غذایی در ایران سبب شد که دولت ایران از ایالات متحده برای ساماندهی به اوضاع آشفته اقتصادی و مالی خویش درخواست کمک نماید. از این رو، از دکتر میلپو خواسته شد سرپرستی امور اداری و اقتصادی را بر عهده گیرد. میلپو در دی‌ماه سال ۱۳۳۱ (ژانویه ۱۹۴۳) به ایران آمد. مشکل‌ترین وظیفه او تهیه و توزیع مواد غذایی بود که در شرایط بحرانی قرار داشت. اما چون وی مبارز و خوش‌بین بود و پشتیبانی نخست‌وزیر، سهیلی، را به همراه داشت کار خود را آغاز کرد.^۱ ولی این مأموریت نیز کمتر از دو سال طول کشید و با شکست مواجه گردید. میلپو در کتاب خود که در سال ۱۹۴۶ منتشر شد، دلایل مختلف شکست دومین مأموریت خود را شرح می‌دهد. مشکل انتخاب همکاران کارآمد، پشتیبانی نکردن وزارت خارجه آمریکا و نمایندگان در تهران، عدم روح همکاری دسته‌جمعی در سازمان‌های مختلف امریکایی در ایران، دشمنی آشتی‌ناپذیر روس‌ها و مطبوعات حزب توده و از همه بالاتر پایین بودن سطح اخلاق در میان طبقات جامعه ایران همه و همه از جمله دلایلی هستند که وی برای شکست خود برمی‌شمارد. اختلاف بین میلپو و ابتهاج، مدیر کل وقت بانک ملی، ضربه نهایی را بر میلپو زد.^۲ ماجرا از این قرار بود که میلپو در نامه‌ای به دولت، در تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۳۳ (۷ اکتبر ۱۹۴۴)، ابتهاج را از سمت خود برکنار کرد، ولی این کار او با مخالفت ابتهاج مواجه گردید.^۳ مخالفت ابتهاج از آنجا سرچشمه می‌گرفت که در ماده ۱۶ قانون اساسنامه بانک ملی ایران مقرر گردیده بود که مدیر کل بانک بنا بر پیشنهاد وزیر مالیه و تصویب هیئت وزرا منصوب شود و عزل او نیز به همین ترتیب باشد و به این شکل قانونگذار بانک ملی را از تحت نفوذ وزارت دارایی برکنار داشته بود.^۴ خود میلپو در صفحه ۱۳ گزارش ماهیانه خود مربوط به اردیبهشت ۱۳۳۲ (می ۱۹۴۳) چنین نگاشته است: «... البته در عین اینکه بانک ملی ایران به مفهوم سایر اداراتی که نام برده شد شعبه‌ای از وزارت دارایی نیست ولی مناسبات نزدیکی با این وزارت داشته و مدیر کل آن آقای ابتهاج اصلاً در اجرای برنامه‌های مالی و یافتن طرقی برای حل مسائل و معضلات مالی دولت تشریک مساعی نموده و مساعدت کامل مبذول داشته است.»^۵ به هر حال، با توجه به این قانون، میلپو اجازه عزل مدیر بانک ملی را نداشت. بنابراین، دولت عمل وی را غیرقانونی اعلام و با برکناری ابتهاج مخالفت کرد.^۶ کشمکش بر سر این مسئله و پافشاری میلپو بر خواسته خود منجر به کناره‌گیری

۱. کلارمونت اسکرین، جنگ جهانی در ایران (خاطرات)، ترجمه غلامحسن صالح‌یار (تهران: سلسله، ۱۳۶۳)، ص ۲۹۴.

۲. همان، ص ۳۰۱.

۳. ابوالحسن ابتهاج، خاطرات ابوالحسن ابتهاج، ج ۱ (تهران: علمی، ۱۳۷۱)، ص ۱۲۶.

۴. «آقای دکتر میلپو حق عزل و نصب مدیر کل بانک ملی را ندارد»، صحافی‌شده توسط کتابخانه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ش ثبت ۴۵۱۰۸.

۵. همان، ص ۸-۹.

۶. همان، ص ۹.

۶. داربا، ش ۵۱، ص ۱.

او از ادامه فعالیت و استعفايش شد. وی نهایتاً در ۹ اسفند ۱۳۲۳ (۲۸ فوریه ۱۹۴۵) ایران را ترک کرد.^۱ بنابراین، اقدامات میلسپو و هیئت امریکایی نیز نتوانست بیماری سخت اقتصاد کشاورزی ایران را علاجی بخشد. اما میلسپو در گزارش خود مهم‌ترین راه‌حل غلبه بر بحران غذایی را همکاری با دولت‌های متفقین در ایران می‌داند.^۲

اشغال ایران علاوه بر تأییراتی که بر تولید محصولات کشاورزی گذاشت، آسیب‌های جدی بر کشاورزی ایران وارد کرد که قطع درختان یکی از آنها بود. حدود ۷۰۰۰۰۰ عدد تراوس، ۱۸،۷۵۰ متر مکعب چوب و ۳۰۰ متر مکعب چوب گردو به درخواست مقامات انگلیسی و ۳۷،۸۰۵ متر مکعب چوب، ۷،۰۲۳ عدد تیر، ۵۷۶ اصله درخت و ۴۰۰ تن هیزم به درخواست شوروی قطع گردید.^۳ بنگاه‌های کشاورزی و ادارات دولتی نیز از تبعات اشغال در امان نماندند. نیروی متفقین مبلغ ۲،۴۳۶،۱۴۵ ریال به بخش‌های مختلف کشاورزی در شهرستان‌های مختلف خسارت وارد کرد. استان خراسان با تفکیک شهرهای مختلف و بنگاه‌های کشاورزی آن در مجموع مبلغ ۱۳۹۷۱ ریال، شهرستان سمنان ۳۱۲۳۶ ریال، شهرستان تبریز و توابع آن مبلغ ۲۷۴۱۲۰ ریال خسارت متحمل گردیدند. تقریباً می‌توان گفت اکثر ادارات کشاورزی کشور در شهرستان‌های مختلف از این آسیب دور نماندند.^۴ علاوه بر این، وزارت کشاورزی پیش از شهریور ۱۳۲۰ سفارشاتى به دول خارجی داده بود که بر اثر اشغال ایران هرگز به دست این وزارتخانه نرسید و یا از بین رفت.^۵

به این ترتیب، در نگاهی کلی، می‌توان خسارات واردآمده به بخش کشاورزی و سیاست کشاورزی ایران را در دوره اشغال آن ناشی از دو عامل دانست: نخست، عوامل خارجی در قالب دولت‌های متفقین که از منابع و امکانات ایران برای تأمین نیازهای خود سود می‌جستند و دیگر، عوامل داخلی که سوءاستفاده بخش بالای جامعه ایران و ضعف دولت مرکزی ایران به سبب جنگ از مصادیق آن است. این دو عامل در همکاری با هم سبب عدم مدیریت مناسب شرایط و در نتیجه شکل‌گیری بحران اقتصادی و کمبود شدید مواد غذایی و وقوع بلوای‌های نان در ایران شد.

۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۳، کارتن ۴۱، پرونده ۴، سند ۵.

۲. سازمان اسناد ملی ایران، گزارش فروردین ۱۳۲۲ میلسپو، ص ۳، سند ۱۳۸۸۷-۲۴۰۰.

۳. همان، سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۶، سند ۱۱۵.

۴. همان، سند ۱۱۶.

۵. همان، سند ۱۱۹.

نتیجه‌گیری

در دوره اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ایجاد اختلال در سیستم کشاورزی و خواربار کشور که به قحطی و بحران انجامید، معلول چند عامل کلی بود: نخست اشغال راه‌آهن توسط متفقین که باعث کند شدن سرعت حمل و نقل و ایجاد بی‌نظمی در جابه‌جایی محصولات کشاورزی و مواد غذایی گردید، دیگر احتکار ارزاق عمومی توسط سودجویان که بر شدت ازهم‌گسیختگی اوضاع افزود، و در نهایت ناتوانی دولت در جمع‌آوری محصولات کشاورزی و عدم انتقال محصولات به نقاطی که دچار کمبود شده بودند که علت آن هم مصادره وسایل حمل و نقل توسط متفقین بود.

کشاورزی ایران بر اثر سیاست‌گذاری‌های ارضی رضا شاه تا حدودی آسیب‌پذیر شده بود، اما هنوز توان آن به اندازه‌ای بود که علاوه بر تأمین مایحتاج خود، به‌عنوان یک ضرورت، روند صادرات را نیز ادامه دهد. ایران تا قبل از اشغال به دست متفقین در زمینه کشاورزی تا حدودی به خودکفایی رسیده بود، چنانکه با صدور مازاد تولید خود در برخی از محصولات موجب کسب درآمد ارزی برای دولت می‌گردید. اما با اشغال کشور و بلایی که در طی مدت جنگ بر سر دولت و ملت ایران آمد، این اقتصاد خودکفا تبدیل به اقتصادی وابسته و مصرفی گردید که حتی توان تأمین نیاز خود را نداشت. در تمامی روند تولید کشاورزی خلل وارد شد. اراضی بایر شدند، محصولات آسیب دیدند، نیروی انسانی مستهلک گردید و همه این عوامل دست به دست هم دادند تا کشاورزی کشور به ورطه نابودی کشانده شود. با این تفاسیر بدیهی است که اخلال در این بخش حیاتی از اقتصاد کشور که منجر به نابه‌سامانی در تهیه و توزیع مواد غذایی و نهایتاً قحطی و کمبایی گردید، مستقیماً به حضور متفقین در ایران و شرایط جنگی ایران ربط داشت. پیامد بلافصل این بحران اقتصادی، هرج و مرج اجتماعی و نهایتاً شکل‌گیری اعتراضات و بلوهای متعدد بود که دولت تنها با به‌کارگیری ابزار خشونت و سرکوب موفق به مهار آن گردید.

کتابنامه

- آزاده، فریدون و صادق احمدیان. سیر تاریخ کشاورزی ایران، تهران: چشمه، ۱۳۷۲.
- «آقای دکتر میلسپو حق عزل و نصب مدیر کل بانک ملی را ندارد» صحافی‌شده توسط کتابخانه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ش ثبت ۴۵۱۰۸، ۱۳۶۵.
- ابتهاج، ابوالحسن. خاطرات ابوالحسن ابتهاج، ج ۱، تهران: علمی، ۱۳۷۱.
- اسکرین، کلارمونت. جنگ جهانی در ایران (خاطرات)، ترجمه غلامحسین صالح‌یار، تهران: سلسله، ۱۳۶۳.
- اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ج ۳، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۶.
- اطلاعات (روزنامه). ش ۴۷۰۲، ۱۸ آبان ۱۳۲۰؛ ش ۵۴۵۳، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۳؛ ش ۵۰۴۵، ۸ آبان ۱۳۲۱؛ ش ۳۹۳۳،

۸ تیر ۱۳۲۱؛ ش ۵۱۴۲، ۲۴ فروردین ۱۳۲۲؛ ش ۴۸۴۷، ۲۵ فروردین ۱۳۲۱؛ ش ۴۷۴۹، ۵ دی ۱۳۲۰؛ ش ۴۹۰۹، ۲۵ خرداد ۱۳۲۱.

ایران (روزنامه). ش ۷۰۵۷، ۱۱ آذر ۱۳۲۱.

ایران در اشغال متفقین (مجموعه اسناد و مدارک)، به کوشش صفاءالدین تبرایان، تهران: نشر دیبا، ۱۳۷۱.
باری یر، جولیان. اقتصاد ایران (۱۳۲۹ تا ۱۳۴۹)، تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابداری سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۳.

بولارد، ویلیام ریدر و کلارمونت اسکرین. شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
داریا (روزنامه). ش ۵۱، ۱۰ بهمن ۱۳۲۳.

ذوقی، ایرج. ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران: پازنگ، ۱۳۶۸.
رزاقی، ابراهیم. اقتصاد ایران، تهران: نی، ۱۳۶۷.
رعد/مروز (روزنامه). ش ۷، ۲۴ شهریور ۱۳۲۳.

سازمان اسناد ملی ایران. شماره مدرک ۱۶۹۹۶-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۰۶/۱۱/۱۱، سند ۵؛ شماره مدرک ۱۶۹۹۶-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۰۶/۱۱/۱۱، سند ۳۴؛ شماره مدرک ۱۷۳۸۹-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۱/۱۱/۱۱، سند ۱۴؛ شماره مدرک ۱۷۳۸۹-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۱/۱۱/۱۱، سند ۶۳؛ شماره مدرک ۰۷/۰۵۹۰۰-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۵/۱۱/۱۱، سند ۵؛ شماره مدرک ۰۷/۰۵۹۰۰-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۵/۱۱/۱۱، سند ۳۳؛ شماره مدرک ۱۲/۲۹۳-۲۹۳، محل در آرشیو ۲۲/۲۱/۱، سند ۳ و ۴؛ شماره مدرک ۲۸/۴۸۴-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند ۴۸؛ شماره مدرک ۰۴۵-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند ۶؛ شماره مدرک ۲۱۸-۲۹۳، محل در آرشیو ۲۹/۲۲/۱، سند ۳ تا ۷؛ شماره مدرک ۶۸۴-۳۱۰، محل در آرشیو نامشخص، سند ۱-۶؛ شماره مدرک ۸۸۲-۳۵۰، محل در آرشیو نامشخص، سند ۷؛ شماره مدرک ۱۰۸/۱۰۱/۸۸۲؛ حاوی نامه زارعان مرنند؛ شماره مدرک ۱۳۸۷۲/۱۳۲۰. گزارش فروردین ۱۳۲۲ میلادی؛ شماره مدرک ۰۸۷/۰۰۰۰۰۰۳۳، محل در آرشیو نامشخص، سند ۵.

سلیمانی، کریم و جمیله عزیزخواه. «اقدامات میلسپیو برای حل بحران نان سالهای ۱۳۲۳-۱۳۲۱»، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، س ۳، ش ۱۲، ۱۳۹۱.

سنجر، ابراهیم. نفوذ آمریکا در ایران، تهران: مولف، ۱۳۶۸.

عاقلی، باقر. ذکاءالملک فروغی و شهریور ۱۳۲۰، تهران: سخن، ۱۳۶۷.

فرخ، مهدی. خاطرات سیاسی فرخ، بی جا: انتشارات جاویدان، بی تا.

فوران، جان. مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران: رسا، ۱۳۷۸.

کتابی، احمد. سرزمین میرزا کوچک خان، تهران: معصومی، ۱۳۶۲.

کوشش (روزنامه). ش ۵۹۲۳؛ ش ۵۰۳۴.

کوهی کرمانی، حسین (مدیر روزنامه نسیم صبا). از شهریور ۱۳۳۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان، ج ۲، تهران: مظاهری، ۱۳۶۵.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران. سال ۱۳۳۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، سند ۱۱۹/۱۱۶/۱۱۵؛ سال ۱۳۳۰، کارتن ۴۱، پرونده ۲۹۷، سند ۴/۲/۱؛ سال ۱۳۳۱، کارتن ۲۲، پرونده ۵۴، سند ۸؛ سال ۱۳۳۱، کارتن ۴۹، پرونده ۱۱، سند ۳۹/۳۵/۱۸؛ سال ۱۳۳۲، کارتن ۱۲، پرونده ۲، سند ۴۵؛ سال ۱۳۳۳، کارتن ۴۱، پرونده ۴، سند ۵. مصدق، محمد. سخنرانی‌های احمدآباد، به کوشش امیر طیرانی، تهران: علم، ۱۳۸۹. میلسپو، آرتور. آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ پهلوی، تهران: البرز، ۱۳۷۰. نوبهار (روزنامه). ش ۲۷، ۱۵ فروردین ۱۳۳۲؛ ش ۴۸۶۶، ۱۷ فروردین ۱۳۳۱.

Eshraghi, F. "The Anglo Soviet Occupation of Iran", *Middle Eastern Studies*, Vol. 20, No. 1, Jan., 1984, pp. 27-52.

Iran political diaries, 1939-1942, R. M. Burrell, Robert L. Jarman (eds.), Vol. 11 (Archive Editions, 1997).

